

مهار منطقه نفت خیز دریای خزر با استفاده از بی لیاقتی!

در پنجاه و دومین سالگرد ملی شدن صنعت نفت به پیشنهاد شهید راه استقلال ایران دکتر حسین فاطمی و به رهبری دکتر محمد مصدق، مشاهده از دست رفتن حاصل تلاشهای ایندو الگوی شرف و استقلال ایران، آنهم بدست سازمان ترور دردناک است.

موقعیت بسیار ضعیفی که نظام ولایت مطلقه فقیه طی سالیان سال بانقض حقوق بشر و دست زدن به تروریسم در داخل و خارج از ایران و نیز اتخاذ سیاست موازنه مثبت در روابط بین المللی ایران را بدان دچار گردانیده است و بدینسان ایران را از هرگونه موقعیت و وجهه سیاسی ای که لازمه حفظ منافع ملی میباشد ساقط گردانیده و نیز کلیه باج دادنهایی که نتیجه محتوم اتخاذ سیاست موازنه مثبت می باشد و همگی در راستای حفظ منافع قدرتها و نه منافع ملی بوده اند، امکان هرگونه ابتکار عمل و آفرینندگی فرصت و موقعیتهای ناب و مغتنم را برای ایران ممتنع ساخته است.

در واقع ساختار استبدادی و فساد پرور رژیم "ولایت فقیه" مهمترین عامل در فراهم و جمع بودن شرایط ضعف مطلق برای میهنمان ایران خصوصاً در پیشبرد منافع نفتی - سیاسی آن در دو منطقه نفتی دریای خزر و خلیج فارس است.

نگارنده در تحقیقی که در باره وضعیت رژیم حقوقی دریای خزر در شماره های ۴۰۶، ۴۰۷ و ۴۰۸ انقلاب اسلامی انتشار داده است به تفصیل به نیازها، استدلالها و دلایل و موارد اشتراک و افتراق گزینه های هر ۵ کشور ذینفع در باره رژیم حقوقی دریای خزر و خصوصاً رژیم حقوقی در برگیرنده منافع ایران پرداخته ام، اکنون در اینجا بطور اجمالی به ویژه گیهای این منطقه در پرتو آخرین تحولات سیاسی و نفتی و موقعیت کنونی ایران در منطقه میپردازم.

سه دولت روسیه و ایران و ترکمنستان در مقایسه با آذربایجان و قزاقستان از منابع احتمالی کمتری در طول سواحلشان برخوردار می باشند، یعنی در عمل ایران هنوز در پی اقدام به عملیات اکتشافی در خزر نبوده و تاکنون از منابع نفتی اش در شمال قطره ای استخراج نگردیده است و روسیه نیز در زمان برقراری دولت شوراهها به جز منابع قفقاز به علت کمبود سرمایه و نیز فقدان تکنولوژی مناسب برای حفر دریا، اقدامی برای تمرکز سرمایه در دریای خزر نکرده بود، لذا هر دو کشور با تکیه به عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به عنوان تنها رژیم معتبر و قانونی دریای خزر بر سیستم بهره برداری مشاع از منابع پای میفشر دند. برای روسیه تا زمانی که اکتشافات جدید به وی تا حدی نوید خروج از بحرانیهای مالی جدیدی که بدانها دچار گردیده است را نداده بودند، بحث استخراج مشترک در اولویت قرار داشت و از آنجا که دو کشور آذربایجان و قزاقستان در پی دعوت این دو کشور از شرکتهای چند ملیتی جهت اقدام به اکتشاف منابع نفتی آنها، دارنده بیشترین منابع نفتی در بستر دریا در طول سواحل خود شناخته شده اند، با استفاده و استخراج مشترک از منابع در سیستم مشاع موافق نمی باشند و به منظور اقامه تسلط خود بر بخش بزرگی از منابع ساحلی خصوصاً بستر دریا خواهان و طرفدار اجرای سیستم "تقسیم منابع" می باشند. اما تغییر موضع روسیه بر اساس ملاحظات اقتصادی و سیاسی در چهارچوب امتیاز دادن و گرفتن شکل گرفته است. اینکه مجموع چه معادلاتی باعث تغییر موضع و روش روسیه در مورد رژیم حقوقی دریای خزر گردیده را میتوان

به اجمال در بحران مالی ای که این کشور بدان دچار گردیده است و لذا درآمدهای نفتی حاصل از بهره برداری در سواحل خزر را در حال حاضر برای روسیه از اهمیت بخصوصی برخوردار میگرداند، خلاصه کرد. و همچنین میزان قرضه های سنگین این کشور و نیز این امر که اختیار کشف و استخراج و بهره برداری از منابع نفت روسیه در سالهای اخیر در دست شرکتهای عظیم نفتی که همگی خصوصی گشته اند (از

قبیل Sarubeschneft, Gasprom Yukos, Sibneft, و...) قرار گرفته است که اغلب آنها با ادغام در یکدیگر به شرکتهای غول پیکری تبدیل گشته اند، نیز از دیگر علل تغییر موضع روسیه می باشد. خصوص که تسلط مافیای نفتی روسی نیز بر اداره منابع نفت و گاز آن کشور و توان اعمال نفوذ و تاثیر گذاری آنها بر روی سیاست گذاری دولت روسیه بسیار زیاد گشته است.

امادانستن میزان قرضه هایی که هر یک از کشورهای حاشیه خزر بیار آورده اند و بدینسان نیاز به فروش نفت این منطقه را احساس میکنند، علل اختلاف نظرهای موجود را بر سر رژیم حقوقی خزر و نیز میل سیری ناپذیر آمریکا را برای مهار ماندگار منطقه را روشن تر می سازد.

بر اساس جدولی که وزارت انرژی آمریکا در سال ۹۹ تهیه دیده بود:

□ میزان منابع مسلم کشور آذربایجان ۳/۶ تا ۱۱ میلیارد بشکه تعیین و منابع ممکن آن کشور ۲۷ میلیارد بشکه تخمین زده میشوند. در ضمن میزان قرضه این کشور ۳۲۱ میلیون دلار برآورد شده است.

□ میزان منابع مسلم روسیه ۰/۲ میلیارد بشکه و منابع ممکن آن ۵ میلیارد بشکه تخمین زده شده است و میزان قرضه این کشور ۱۲۰/۷ میلیارد دلار می باشد.

□ منابع مسلم نفتی قزاقستان ۱۰ تا ۱۶ میلیارد بشکه و منابع ممکن آن ۸۵ میلیارد بشکه تخمین زده شده است و این کشور به میزان ۳/۷ میلیارد دلار مقروض می باشد.

□ ترکمنستان دارای ۱/۴ میلیارد بشکه نفت مسلم میباشد و منابع ممکن نفتی آن ۳۲ میلیارد بشکه برآورد شده اند. و این کشور ۳۹۳ میلیون دلار مقروض میباشد.

□ و اما هیچگونه منابع مسلم نفتی ای برای ایران در منطقه دریای خزر

کشف نگردیده است و منابع ممکن آن ۱۲ میلیارد بشکه تخمین زده شده است و میزان قرضه ایران را ۲۱/۹ میلیارد دلار برآورد کرده اند.

حال آنکه ایرانیان میدانند که رژیم "ولایت فقیه" بسیار بیشتر از این مقادیر ایران را به زیر بار قرضه برده است و بر اساس برآوردی که نگارنده در نوشتاری تحت نام "نفت و بدهی ۱۱۶ میلیارد دلاری ایران" مندرج در انقلاب اسلامی ۵۳۲، بعمل آورده ام میزان بدهی های واقعی ایران حاصل دو حکومت رفسنجانی و خاتمی در سال ۸۳ که خاتمی دوران دوشم تمام می شود، حداقل ۱۱۶ میلیارد دلار خواهد بود.

اما ۳ سال پیش یعنی در ۲۸ تیر ماه ۷۷ در پی سفر بوریس پاستوخوف قائم مقام وزیر امور خارجه روسیه به ایران، ایران و روسیه بیانیه مشترکی را در باره مسایل دریای خزر و راهکارهای همکاری و مواضع رسمی تهران و مسکو در این زمینه تعیین و اعلام کردند. در این بیانیه امور ذیل تصریح شدند:

۱- تکمیل نظام حقوقی دریای خزر براساس اصل اتفاق آرای کشورهای ساحلی بایستی صورت گیرد.

۲- دریای خزر دریای ۵ کشور ساحلی محسوب میشود.

۳- طرفین بطور اصولی با تقسیم مساوی و عادلانه بستر دریای خزر به صورت ۲۰ درصد برای هر کشور، بین ۵ کشور ساحلی موافقت نموده و بر ادامه راینیها در مورد شیوه قابل قبول ترسیم خط تقسیم تاکید شده است!

۴- طرفین مواضع یکدیگر را در خصوص بهره برداری از آب وبستر دریای خزر بررسی کردند و سه گزینه در این رابطه مورد ارزیابی قرار گرفت.

* سیستم مشاع سطح آب - آب و بستر

* سیستم مشاع سطح آب - و تقسیم

بستر

* سیستم تقسیم سطح آب - آب و بستر بین کشورهای ساحلی

بدینسان ملاحظه میگردد که رژیم حاکم بر ایران در ۳ سال قبل از موضع ضعف، عملاً با تغییر نظر خود در قبول "سیستم مشاع"، تن به پذیرش "سیستم تقسیم" داده یعنی در اصل از موضع ضعف در تغییر موضع نیز تن به سیاست جدید روسیه داد.

اکنون ۳ سال از زمان توافق نامه ایران با روسیه بر سر تقسیم ۲۰ درصدی بستر دریای خزر، میگذرد و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر منطقه دچار تحولات عظیم سیاسی - نظامی گشته است و نقشه مسیر انتقال نفت به آبهای گرم در دید قدرتهای چشم دوخته به منطقه تغییر یافته اند. پیمانهای دوجانبه مابین کشورهای ساحلی خزر فراوان گشته اند ولی هنوز وضعیت رژیم حقوقی دریای خزر مشخص نگشته است.

وضعیت رژیم حقوقی دریای خزر دوباره در کنفرانس بین المللی بررسی مسائل حقوقی دریای خزر در مسکو در هفته اول اسفند ۸۰ (مارس ۲۰۰۲)، به بحث گذاشته شد. آمریکا نیز همراه با پنج کشور ساحلی دریای خزر، در کنفرانس دو روزه مسکو شرکت کرد و تحولات این منطقه مهم استراتژیک را از نزدیک دنبال کرد. استیون مان، نماینده آمریکا که در این کنفرانس، خطاب به گروه کارشناسان کشورهای روسیه، آذربایجان، ایران، ترکمنستان و قزاقستان سخن می گفت اظهار داشت: فساد مالی و چارچوب ضعیف قانون در کشورهای حوزه دریای خزر مانع از پیشرفت اقتصادی این کشورها است. با این حال استیون مان در مورد حصول پیشرفت در دو طرح انرژی یکی خط لوله نفت و یکی خط لوله گاز که قرار است از آذربایجان به ترکیه کشیده شود، ابراز خوشنودی کرد. ویکتور کالیوژنی، نماینده روسیه در امور دریای خزر در کنفرانس مسکو گفت: ادامه بلا تکلیفی در مورد تقسیم دریای خزر مانع از اجرای عملیات اکتشاف نفت است و بی ثباتی را در منطقه افزایش می دهد. در حال حاضر، دو پیشنهاد مطرح است: یکی تقسیم برابر دریای خزر و دیگری تقسیم آن بر اساس طول مرزی که هر یک از کشورهای همجوار با خزر دارند. اگر دریای خزر بر اساس طول مرزی که هر یک از کشورهای ساحلی با این دریا دارند، تقسیم شود، سهم بیشتری نصیب قزاقستان خواهد شد و سهم روسیه اندکی از ایران بیشتر خواهد بود. ایران نیز به نوبه خود سهم بیشتری از ترکمنستان خواهد داشت. (بگذریم که در واقع بهترین گزینه برای ایران "سیستم مشاع" میباشد). در این میان سهم آذربایجان از همه کمتر خواهد بود. به طور مسلم این ایده در جمهوری آذربایجان طرفدار چندانی ندارد. این موضوع که شرکت آمریکایی اکسون موبیل اعلام کرده است از یک طرح اکتشاف نفت در سواحل آذربایجانی دریای خزر خارج خواهد شد، بر تمایل آذربایجان برای دستیابی به سهم بیشتری از دریای خزر صحنه می گذارد. مشخص شده است که چاه مورد نظر این طرح اکتشافی دارای ذخایر قابل توجه نفت نبوده است و این دومین بار در مدت یک سال است که شرکت اکسون موبیل طرح حفاری در آبهای آذربایجان را لغو می کند.

هر چند مهدی صفری نماینده ایران در امور دریای خزر طی این کنفرانس، تصریح کرد: "ایران اجازه فعالیت نفتی در محدوده ۲۰ درصدی متعلق به خود را به هیچ کشوری نمی دهد و ایران تا زمان تکمیل رژیم حقوقی و نیل به توافق مورد پذیرش همه کشورهای ساحلی اجازه فعالیت نفتی در این محدوده را به هیچ شرکت و کشور خارجی نخواهد داد و موافقت نامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰

راکه مورد پذیرش همه کشورهای ساحلی است، مبنای مناسبی برای تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر می‌داند. ولی از طرفی نیز ضعف نشان داد و اظهار داشت: "در صورت اصرار بر تقسیم نیز ایران تقسیم بر اساس حداقل ۲۰ درصد از دریا را حق عادلانه خود می‌داند." روسیه که با قزاقستان و آذربایجان قراردادهای دو جانبه برای بهره‌برداری از منابع و ذخایر بستر دریا منعقد کرده است در حقیقت از تقسیم دریا بر اساس اصل درصدی دوری جسته است. و چون روسیه از موقعیت ضعیف سیاسی کنونی رژیم ایران کاملاً مطلع است بزبان ویکتور کالیوژنی نماینده رئیس جمهوری روسیه در امور دریای خزر که سمت معاونت وزارت امور خارجه روسیه را نیز بر عهده دارد، ضمن مخالفت با پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تقسیم دریای خزر به پنج قسمت ۲۰ درصدی (که در ۷۷ در این باره با ایران به توافق هم رسیده بود) گفت: "بجای تقسیم درصدی دریا باید به سوی تقسیم منابع و ذخایر آن گام برداشت و موضع ایران به مرور زمان ملایم تر می‌شود!! و این کشور مجبور است موضع خود را در قبال دریای خزر تغییر دهد!" کالیوژنی افزود: "ایران ناچار است دیدگاه‌های دیگران را مدنظر داشته باشد برای مثال روسیه در اختلاف آذربایجان با ایران در خزر نقش طرف سوم را ایفا می‌کند که مورد قبول هر دو طرف قرار گرفته است."

در واقع اجلاس مسکو هشدار جدی برای ایران بود و رسانه‌های خبری داخل نه تنها اهمیتی به آن ندادند، بلکه به سادگی از کنار آن گذشتند. محرز شدن امضای موافقتنامه سه جانبه‌ای بین کشورهای جمهوری آذربایجان، قزاقستان و روسیه از دیگر خبرهای داغ این اجلاس بود. این موافقتنامه که ترکمنستان و ایران آن را امضا نکرده‌اند، بنابر اقرار نماینده ویژه جمهوری آذربایجان بدون در نظر گرفتن موافقتنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین سه کشور فوق‌الذکر امضا شده است که این امر نشان دهنده تقسیم بندی جدید دریای خزر و تعیین رژیم جدید حقوقی برای این دریا از طرف این ۳ کشور است. اما در هیچ یک از رسانه‌های ایران خبری و یا تحلیلی در مورد کیفیت این موافقتنامه و تقسیم منابع دریای خزر آنهم بدون حضور ایران یافت نمی‌شود. اما همین امر که ایران و ترکمنستان تا کنون آن را امضا نکرده‌اند حاکی از آن است که هیچگونه منافعی برای این دو کشور در نظر گرفته نشده است. در این سمینار کشور ترکمنستان حضور نیافت و از پیش اعلام کرد که کار خود را می‌کند. ترکمنستان بدون توجه به موافقتنامه‌های پیشین و فعلی به اکتشاف و بهره‌برداری خود از دریای خزر ادامه می‌دهد، بطوری که ویکتور کالیوژنی نماینده ویژه روسیه در دریای خزر گفته است: "ترکمنستان آن طور که خود می‌خواهد و دوست دارد عمل می‌کند." اما ایران تا کنون سعی کرده است بر اساس گفت‌وگوی بی نتیجه با کشورهای حاشیه دریای خزر و از موضع ضعف بدون آنکه خللی در کار آنها پیش بیاید، عمل کند. و هنوز کار عمده‌ای که نشان دهنده عزم جدی در حفظ منافع و بهره‌برداری از آن را دارد از خود نشان نداده است. البته از رژیمی استبدادی چون نظام ولایت مطلقه فقیه نیز انتظاری جز از دادن فرصتها نمی‌توان داشت. بحران سازان در درون کشور ایران را دچار ضعف مفرط و درگیری با آمریکا کرده‌اند و در این مابین سایر کشورهای حاشیه خزر فرصت را مغتنم شمرده و بدون حضور ما به تقسیم منابع دریای خزر پرداخته‌اند و در آینده تنها سهم ایران شاید فضای بالای آب این دریای غنی باشد.

دو نفر دزد خری دزدیدند

سر تقسیم بهم جنگیدند

آن دو بودند میان زدو خورد

دزد سوم رسید و خرو برد!

اما از طرفی بوی نفت بزرگ‌ترین منابع نفتی جهان در آسیای میانه در دریای خزر، بعنوان ماده

محركه برخوردار در منطقه با وجودی که مساله حق حاکمیت رژیم حقوقی مورد اجماع کشورهای همجوار دریای خزر، هنوز لاینحل مانده است، پای شرکتهای نفتی چند ملیتی را بالخصوص شرکتهای نفتی - تسلیحاتی آمریکا را به مثابه لاشخور به منطقه کشانده است. تروهای ۱۱ سپتامبر کار این شرکتها را که خانواده بوش به آنها وابسته است، بسیار سهل گردانده است. بدینسان که جنگ بوش با تروریسم بهانه کاملاً مناسبی است برای شرکتهای حامی وی تا هدفهای خود را در این منطقه پیش ببرند.

این اهداف عبارتند از:

- بتاراج بردن منابع نفت و گاز منطقه
- حذف رقبای بالقوه خود در منطقه خصوصاً روسیه و ایران
- بدست گرفتن مهار سیاسی و نظامی منطقه تحت عنوان استقرار امنیت سیاسی - نظامی
- تعیین مسیری برای انتقال منابع نفت و گاز به دریای آزاد، به طریقی که اختیار آن مسیر تنها در يد آمریکا باشد.

در جهت اجرای این اهداف، تروهای ۱۱ سپتامبر بهترین مستمسک کشانده شدن پاورچین پای آمریکا به منطقه و مهار سه کشور مسلمان نزدیک به منابع نفت، همانا کشورهای ترکمنستان و ازبکستان و قرقیزستان گردید. لشکرکشی و ایجاد پایگاههای نظامی در این کشورها باعث گردیده که کل منطقه اینک در مهار سیاسی - نظامی آمریکا قرار گیرد. از اینرو منطقه دریای خزر اکنون به مثابه مهمترین و حیاتی ترین منطقه برای آمریکا درآمده است. کل دریای خزر حوزه ای مملو از نفت و گاز طبیعی است و قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان بر روی مقادیر متنابهی از طلای سیاه واقع شده اند. مصرف داخلی نفت قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان بسیار کم است و به همین جهت اهمیت این ماده برای اقتصاد ضعیف و ناتوان کشورهای مذکور در بهره برداری مستقل از ذخایر نفتی خود نهفته است. در غیاب یک کشور و دولت مستقل و مردمسالار به مثابه الگوی استقلال و آزادی که دارای اشتراکات تاریخی - فرهنگی با این کشورها باشد و دارای حوزه مشترک فرهنگی باشد، همانا ایران، از دید سیاست موازنه مثبت، این کشورها نایستی دارای استقلال سیاسی - اقتصادی گردند. از اینرو دوره پیش رو ندارند یا وابسته به آمریکا خواهند شد و یاد صورت عدم حضور آمریکا در منطقه، به روسیه یا چین وابسته خواهند گردید. توان بالقوه این سه کشور نفت خیز جغرافیای سیاسی کل منطقه را تغییر داده است. از آنرو مهار عراق، انزوای ایران و تقویت ترکیه از اهداف آمریکا در اجرای سیاست های مربوط به خطوط نفت و گاز در آسیای میانه است.

در این حیص و بیص علاوه بر دیپلماسی ضعیف خارجی ایران در از دست دادن مکرر بهترین فرصتها برای تعیین وضعیت رژیم حقوقی دریای خزر، رژیم حاکم بجای اینکه هرگونه بهانه های تجاوز را از کف آمریکای متجاوز بدر آورد با تحریکات هاشمی رفسنجانی و دیگر کارگردانان سازمان ترور، بهانه برای تجاوز آمریکا به منطقه می تراشد.

و بدینسان بهترین زمینه را برای پایگاههای نظامی آمریکا در

در بر گرفتن چون حلقه دو اقیانوس نفتی خلیج فارس و دریای خزر فراهم آمده است. از آنجا که نظام ولایت مطلقه فقیه در زمینه اطلاع رسانی در مورد نقطه ضعفهای قراردادهای نفتی و سیاست نفتی اش سانسور مطلق اعمال میکند و حکومت خاتمی نیز در این راستا ترجیح داده است، حتی نمایندگان "مجلس" ششم هم جهت با خود را نیز با حذف (بند م تبصره ۲۹ بودجه ۸۰) در بودجه ۸۱، از حق نظارت بر قراردادهای نفتی محروم کند؛ افشای چند و چون سیاست نفتی این نظام، توسط ایرانیان در خارج از کشور اهمیت دوچندان می یابد. از اینرو نگارنده در نوشتار بعدی نیز به اهمیت نقش منطقه خزر از دید نیاز نفتی جهان و بازار نفت و نیز به چگونگی راه حل خروج از

وضعیت ضعیف کنونی ایران، بر مبنای اتخاذ سیاست موازنه منفی در سیاست خارجی - اقتصادی
در یک نظام مردمسالار جانشین نظام ولایت مطلقه فقیه خواهد بود.